

مجاهدین یک معذرت خواهی بزرگ به ما و مردم بدهکار است!

وقتی دولت آلمان انکار نمیکند، مجاهد چرا دست به انکار میزند؟

مهرنوش موسوی Mehnousch@aol.com

ماجرای این قرار است که باز هم مجاهد یک دسته گل دیگر در انکار واقعیت به آب داده است. مجاهد در یک اطلاعیه به تاریخ ۱۸ دسامبر و با امضای کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت، بر علیه سنگسار به توضیح و گزارش نشست مهمی در ۲ هفته پیش در برلین میپردازد.

در این اطلاعیه از جمله آمده است: «سه شنبه گذشته خانم یوتا ساندر هماهنگ کننده تلاش جهانی علیه سنگسار در نشست بین المللی علیه سنگسار در برلین گفت که تا کنون مذاکرات گسترده ای» (تأکیدات از من است)

اول اینکه در این اطلاعیه کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت، هیچ اسمی از مینا احدی در این نشست برده نمیشود. مجاهد آگاهانه بطور کلی روی مینا احدی خط کشیده است. انگار نه انگار که در خود سایت بنیاد هاینریش بل که برگزار کننده این نشست بود، مینا احدی یکی از سخنرانان اصلی این نشست و رئیس کمیته بین المللی علیه سنگسار است. کمیته ای که بیش از ۲۰۰ سازمان و حزب و نهاد و شخصیت شناخته شده عضو آن هستند. انگار نه انگار که طرف حساب دولت آلمان در اعتراض به ماماشات با دولت ایران در رابطه با نقض حقوق زن، حقوق انسانی و مجازات شنیع سنگسار از جمله مینا احدی یکی از رهبران شناخته شده و با نفوذ حزب کمونیست کارگری ایران و یک شخصیت شناخته شده در زمینه دفاع از حقوق زن در عرصه بین المللی است. این را هر کسی نداند مجاهد میدانند و از آن رنج میبرد. مجاهد اطلاعیه وزارت خارجه دولت آلمان در استناد به این نشست را ۷ روز قبل از انتشار اطلاعیه خود دیده است. اطلاعیه ای که دولت آلمان با استناد به سخنان مینا احدی در این نشست، به دفاع از خود و توجیه ماماشات با دولت ایران پرداخته است.

دوم اینکه به راحتی اسم کمیته بین المللی علیه سنگسار را بصورت دلبخواه با «تلاش جهانی علیه سنگسار» عوض میکند. اینجا دیگر مجاهد حتی به قوانین مرسوم جامعه و کپی رایت هم متعهد نیست، چه رسد به حقیقت! سوم اینکه به جای اسم بردن از مینا احدی به عنوان مبتکر و هماهنگ کننده این کمیته که دقیقاً با همین عنوان در معرفی و لیست مدعوین این نشست در صدر جدول بنیاد بل جای دارد، خانم ساندر را به عنوان هماهنگ کننده این کمیته و یا با زبان مجاهدی آن «تلاش» معرفی میکند. این در حالی است که همه میدانند خانم یوتا ساندر عضو کمیته بین المللی سنگسار است که از حزب سبز اطریش در این نشست شرکت و گزارش فعالیتهای واحد اطریش کمیته بین المللی علیه سنگسار را عرضه کرده است. خانم یوتا ساندر سخنان خود را در این نشست اینگونه شروع کرد که او به نمایندگی از حزب سبز اطریش و همچنین سایر احزاب و نهادهای عضو کمیته بین المللی علیه سنگسار، چون حزب کمونیست اطریش، واحد زنان اس پ د و نهاد حقوق بشر و نهادها و شخصیتهای دیگر در هماهنگی کامل با رئیس این کمیته یعنی مینا احدی در این نشست شرکت و اقداماتی را علیه سنگسار زنان به پیش برده اند.

این دیگر نه مثل مورد قبلی «گاف سیاسی» است، بلکه کتمان محض است. روراست به این عمل دروغ میگویند. و این کار دون شأن یک سازمانی است که قاعداً باید سیاسی بوده و به صراحت در مقابل مردم متعهد باشد.

اما واقعیت از این قرار است که اتفاق مهمی افتاده است. ۲ سال و اندی قبل از سوی دولت آلمان تحت پوشش بنیاد بل، گنجی و جلایی پور و ریز و درشت دوم خرداد دعوت شده بودند تا حکومت را در خارج لانس کنند. کمونیستی

کارگريها به آن کنفرانس نه فقط دعوت نشده بودند، بلکه با چماق پليس آلمان و همکاري ژنتيک توده اي اکثريتي ها و دوم خرداديهاي خارج کشور شناسايي شده و جلو اعتراض به حقشان را ميخواستند بگيرند. در کنفرانسي که ميليونها نفر از مردم ايران، عليرغم اين تلاشها، صدای رهبران حزب کمونيست کارگري ايران را در خانه هایشان شنیده و از زبان خود مينا احدی اعلام شد که اين حکومت اصلاح ناپذير است و جمهوری اسلامي بايد برود. مجاهد در اين مقطع و در اين کنفرانس حضور نداشت و حتی پس از آن هم در مقابل حمله متمرکز و وسيع رژيم و دوم خرداد درون و بيرون حکومت هم حتی یک کلمه در دفاع از صف مبارزه آزاديخواهي به زبان نياورد.

۲ سال بعد هم گنجی اقرار ميکند که اصلاحات شکست خورده و فايده اي ندارد و هم بنياد هاي نريش بل از کساني براي اين نشست دعوت ميکند که دولت آلمان و خود اين نهاد را مورد نقد و تعرض قرار ميدادند که با بزک کردن حکومت به زورق رفرم و اصلاحات ميخواهد جای پای اين جنائتکاران را در خارج باز کند. و نه فقط اين، بلکه ۲ روز پس از انتشار گزارش اين نشست، همچنان که گفتم، از سوی دولت آلمان یک اطلاعیه رسمي از سوی وزارت امور خارجه در روزنامه برلينر تاگه سايتونگ منتشر ميشود که تيتير آن دفاع از خود است. اين نشانه تغيير موازنه به نفع قطب چپ و کمونيستي و به نفع مردم است. به نفع زنان، کارگران، دانشجويان، معلمان و کل اين جبهه سوم است. اين نشانه قدرت و نقش مهم و دخالتگرانه و محق حزب کمونيست کارگري ايران هم در داخل و هم در خارج کشور و در عرصه بين المللی است. اين نشانه حقانيت رهبران راديکال و سازش ناپذير اين حزب است. مجاهد ديگر نمیتواند سکوت کند، بايد رنج خود را به نمايش بگذارد.

مجاهد اين واقعييت را ميداند و مکانيسم «عقيديتي» آن به جای پذيرش و گردن گذاشتن به واقعييت، انکار آن است. در عين حال اشتباه سياسي هميشگی اين سازمان در اين است که شعور سياسي مردم را به هيچ ميگيرد و به اين وسيله تحقير ميکند. مردمی که سالهاست قضاوت و ارزيابي سياسي از مجاهد، اهداف و رفتار و منش آن را مبنای ارزيابي و دوری خود از آن قرار داده اند. مردمی که حق قضاوت و حق دسترسي به اطلاعات و خبر و گزارش درست و تحريف نشده را دارند. مردم و قطبی که پيشروي مبارزه آن، مجاهد را همين چندی قبل به عقب نشيني ولو غير صريح در زمينه مواضعش وادار کرده است.

مجاهد دچار یک بن بست واقعي است. ريشه مذهبی و سنتی تار و پود اين سازمان از سویی و بيگانگی تاريخی اش با حقوق برابر انسانها، احترام به اين حقوق و از جمله حقوق زن، عرصه را بر او چنان تنگ کرده است که مبنای تلاش خود را انکار وجود یک جنبش و تلاشگران آن به جای چرخش بر پایه گردن گذاشتن به حقيقت قرار داده است. حقيقت هر چه باشد، مجاهد به خاطر نفس انجام اين عمل ناپسنديده، به هر دليل و با هر محاسبه اي که صورت گرفته باشد، تنها به خاطر التزام به حداقل موازين مبارزه سياسي و احترام به شعور و حقوق مردم، یک معذرت خواهي بزرگ به اعضا و هوادارانش، به ما و مينا احدی و کميته بين المللی عليه سنگسار و همه مردم بدهکار است.